

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: هرمان پلویا\*  
برگردان: خ. طه‌پوری  
۲۹ سپتمبر ۲۰۱۹

## آموزگاران امریکائی هیتلر



### آموزگاران امریکائی هیتلر

آیا واقعاً ناسیونال سوسیالیسم با تمام پی‌آمدهای هولناک و ناگوارش یک فرآورده خالص المانی بود؟ نویسنده کتاب با کمک اسناد تاکنون ناشناخته‌ای ثابت می‌کند که عناصر بسیاری از ناسیونال سوسیالیسم از کوشش‌هایی نشأت می‌گرفت که از آغاز قرن ۲۰ در ایالات متحده آمریکا به روند غالب تبدیل شده بود، از جمله جهان‌بینی نژاد برتر شمالی و یا «محو فروپایگان و یا انسان‌های پست». حتی قبل از آغاز جنگ جهانی اول در بسیاری از ایالت‌های آمریکا قانون عقیم کردن و یا اخته کردن «فروپایگان» به اجراء درآمده بود.

و مسأله تنها به این ختم نمی‌شد: در سال ۱۹۱۴ دولت ایالات متحده آمریکا، بنیادهای معتبری چون بنیاد کارنگی و یا راکفلر و همین‌طور بهترین دانشمندان دانشگاه‌های آمریکا، برنامه دقیق برای بهبود و ارتقای نژادی نه تنها برای ایالات متحده، بلکه برای تمام بشریت آماده کردند. در این برنامه «محو» ۴۵ میلیون نفر از افراد «فروپایه» تا سال ۱۹۸۵ تنها در ایالات متحده آمریکا در نظر گرفته شده بود.

آدولف هیتلر این برنامه را در کتاب خود «نبرد من» با تعصب تبلیغ کرد. هیتلر هرگز پنهان نکرد که ایده و افکار تعیین کننده خود را مدیون هنری فورد، مدیسون گرانت و لوثر وپ استودارد است.

\*\*\*\*\*

### پیش‌گفتار



در واقع با نوشتن این کتاب قصد داشتم دانش انظار عمومیِ علاقه‌مند را با آرایه‌ی یک سلسله از اسناد، مدارک و استدلال‌ها غنی‌تر سازم.

ولی بعد برایم روشن شد که آب به درون سوراخ مورچه‌ها ریخته‌ام و دریافتم که ملت ساعی المان، کاشف اصلی مسایل وحشتناکی چون به‌نژادی، آتانازی (تصفیه نژادی از طریق قتل) و «محو» افراد نامطلوب نبوده است، بلکه در اوایل قرن بیستم در ایالات متحده آمریکا با همکاری و شراکت بنیادها و دانشگاه‌های خصوصی و دولتی طرح جامعی جهت تصفیه نژادی هم برای جامعه آمریکا و هم برای تمام دنیا، آماده شده بود.

این مسایل ظاهراً برای رؤسای بنگاه‌های انتشاراتی المان خیلی سنگین بود. آن‌ها نگاهی به افشاگری و نمونه‌ای از فصلی از کتاب که برای آن‌ها ارسال کرده بودم انداختند، سه بار استغفرالله گفتند و فریاد زدند: «ابلیس، دور شو!» هیچ‌یک از جواب‌های منفی بنگاه‌های نشر کتاب حاکی از این نبود که ممیزی‌های مربوطه، به درستی مطالبی که مطرح کرده بودم، شک داشتند. آن‌ها بیش‌تر از «برداشت ناقص» من از قضایا شاکی بودند و می‌گفتند که در کنار مطالب هولناکی که در آمریکا رخ داده، می‌بایست مطالب هولناک المان نیز به عنوان وزنه مقابل مطرح می‌شد. ولی خلاصه بگویم آن‌ها بر روی هم وقت خود را زیاد روی استدلال‌های من هدر ندادند.

به جای آن ترس بزرگی حاکم بود، ترس از این‌که اگر کسی ویژگی و بی‌نظیر بودن فجایع نازی‌ها را که در هولوکاست متبلور شد در رابطه با گرایش‌های بین‌المللی مطرح کند نئونازی و یا تجدیدنظرطلب محسوب خواهد شد.

برای رفع هر گونه سوءتفاهمی همین‌جا اعلام می‌کنم: نابودی به دقت برنامه‌ریزی شده یهودیان به وسیله المان‌ها نه تنها از نظر کمی، بلکه همین‌طور از نظر کیفی در تاریخ جهان بی‌نظیر بوده است و جای هیچ تردیدی نیست که برای انجام چنین کار شنیعی دست‌اندرکاران فراوانی لازم بوده است. سازمان‌دهی دقیق قطارهای مسافربری المانی به اردوگاه‌های مرگ، اجرای محرمانه و کامل تصمیمات کنفرانس بحیره و ان Wannsee تا کوچکترین جزء، بی‌نظیر است.

با این حال پذیرفتن این واقعیت‌ها نباید ما را به خودسانسوری وادارد. وظیفه ما این است جنایات دیگر علیه بشریت را، فارغ از این‌که کجا رخ داده و یا به وسیله چه کسی صورت گرفته باشد، مانع شویم. کشتارهای برنامه‌ریزی شده هنوز و هر روز ادامه دارد. در گذشته و حال نمونه‌های تکان‌دهنده‌ای از آن موجود است. جنگ ایالات متحده آمریکا علیه فیلیپین در سال ۱۸۹۸ به قیمت جان یک میلیون نفر از شهروندان این کشور تمام شد. حمله ایالات متحده به عراق از سال ۲۰۰۳ تاکنون به مرگ بیش از ۱,۲ میلیون نفر شهروند عراقی منجر گردیده است.

مسئله بر سر مقایسه، یر به یر کردن و یا طلبکار شدن نیست، بلکه مسأله درک علل پدید آمدن این‌گونه رویدادهاست و بسیاری از چیزهایی که در المان نازی با اشکال تند و افراطی ظهور کرد، سرچشمه‌اش در ایالات متحده آمریکا بود. هدف این کتاب ثبت این واقعیت‌ها است. در کتابخانه‌های عمومی مطالب و اسناد زیادی-اغلب به زبان انگلیسی-وجود

دارد که ارتباط ایالات متحده با المان نازی را بدون عیب و نقص ثابت می‌کند. محققان و کارشناسان سرشناس ناسیونال سوسیالیسم باید اجباراً به این سؤال پاسخ دهند که چرا از این همه منابع که بلامانع در اختیار عموم قرار داشته در عرض ۶۰ سال گذشته حتی یک بار در تحقیقات خود استفاده نکرده اند. در اینجا قصد ندارم در مورد انگیزه این نوع اهمال‌گری‌ها به بحث بنشینم. ولی پس از بررسی و ارزیابی منابعی که مورد اغماض قرار گرفته است (که تاکنون حتی یکبار و به هیچ شکلی ارزشیابی نشده) می‌توان بروشنی گفت: فاشیسم و ناسیونالیسم فرآورده بومی طرز فکر ملی المانی و یا ایتالیائی نبوده، بلکه تا حد زیادی ناشی از جذب و تطابق عناصر امریکائی است. در اینجا صحبت از یک رابطه ساده تک علتی نیست که مثلاً «امریکائی‌ها» ایده‌ای را پیدا کردند و المان‌ها و ایتالیائی‌ها آن را موبه‌مو به اجراء درآوردند.



تاریخ این‌گونه عمل نمی‌کند، به ویژه این تاریخ. تاریخ نتیجه رقابت و ائتلاف کوچکترین فصل‌های پدیدآورنده آنست. مردمان دوراندیش و با نفوذ همواره کوشش کرده اند این ارتباط‌های ظریف را به نفع خود تحت تأثیر قرار دهند که البته در زندگی روزمره فقط تا اندازه ای بسیار ناچیزی مقصور است. داستان این کتاب داستان ائتلاف و رقابت کوچکترین اجزای بنای ایدئولوژیک و همین‌طور کوچکترین اجزای بنای ستراتیژیک است. وقایع غیرمترقبه همواره خواهان ابتکار عمل است.

عمده‌ترین نیروهائی که در این بازی بغرنج سهیم اند، از یک طرف عبارتند از: پیش‌داوری‌های گروه‌های مختلف اجتماعی نسبت به یک دیگر که گه‌گاه به یکباره و خودجوش پدید می‌آید و گاهی نیز حساب‌شده و با برنامه از سوی گروه‌های ذینفع دامن زده می‌شود. و از طرف دیگر: علاقه به افزایش سودآوری برای شرکت‌های خصوصی و برای جامعه به طور کل به کمک پرورش انسان‌های سالم و کارا و با از بین بردن انسان‌های کم‌ارزش و بی‌صرفه.

تاریخ واقعی یک سیستم بسیار پیچیده است و از این‌رو ادعا نمی‌کنم که واقعیت را به طور کامل و جامع تصویر کرده ام. کتاب من کوشش متواضعانه‌ای است که بدون خودسانسوری‌های متداول، خواننده را تا حد امکان به حقیقت نزدیک خواهد کرد.

این کتاب همین‌طور یک کتاب «ضدامریکائی» نیست. این تهمت مرعوب‌کننده «امریکاستیزی» متوجه مخترعان آن می‌شود، زیرا اولاً ایالات متحده امریکا همه امریکا نیست و این ادعای نمایندگی مطلق به حق شدیداً از طرف

کشورهای مانند ونزوئلا، کوبا، کلمبیا، برزیل مردود اعلام می‌شود. در ثانی، منظور کتاب من آن گروه بسیار کوچک خودگمارده ولی بسیار پر قدرت «خبرگان» ایالات متحده است که صدها سال بناحق و بدون هیچ‌نوع مشروعیتی بر ۹۹ درصد از شهروندان ایالات متحده حکومت می‌کند. ۹۹ درصد شهروندان محکوم و تحمیق شده آمریکائی نیز مانند تقریباً همه مردم جهان قربانی این الیگارشی هستند.

### هدف من از نوشتن این کتاب چیست؟

می‌خواهم توجه خواننده را به سوی آن قدرت‌های جهانی جلب کنم که خلاف برداشت رسمی پس از سال ۱۹۴۵ هنوز با شدتی بی‌مانع در سطح جهان فعالند و بیش از همیشه خطر عظیمی را برای دموکراسی، انسانیت، مدنیت و تساوی حقوق ایجاد می‌کنند. مثلاً: پس از پایان رژیم نازی‌ها، عقیم کردن اجباری در ایالات متحده آمریکا کماکان ادامه داشت. اوژنیک و یا علم اصلاح نژاد انسان Eugenics نیز در دهه ۱۹۵۰ در کلیه کشورهای غربی بدون هیچ شرم و حیائی ادامه داشت.

امروزه همان‌طور که برخی از کشورها به ویژه ایالات متحده و بریتانیا نشان می‌دهند، ما شاهد تولد مجدد به نژادی و حتی آتانازی (قتل عمد برای پاکسازی نژادی) با برجسب نوینی هستیم. منتقدان این گرایشات اغلب ناتوان و به شکلی رقت‌بار با این میلاد دوباره خطرناک روبه‌رو هستند، زیرا فاقد اطلاعات لازم در مورد ابعاد بین‌المللی این معضل می‌باشند.

اگر کتاب من بتواند تسلسل جهانی این طرح ضدبشری را نشان دهد، در آن صورت وظیفه خود را اجراء کرده است.

### \*- در معرفی نویسنده:

هرمان پلویا متولد ۲۵ اگست ۱۹۵۳، در عرصه نویسندگی، روزنامه‌نگاری و نشر کتاب در باره سیاست و تاریخ معاصر فعالیت می‌کند. او در سال ۲۰۱۴ کتاب «سیاست‌گذاران در پس پرده-چگونه شبکه‌های ماورای اتلانتيک در خفا دموکراسی را از درون تهی می‌کنند» را منتشر کرد. و در سال ۲۰۱۶ کتاب تیم اندرسون به نام «جنگ کثیف علیه سوریه» را به آلمانی منتشر نمود. او طی مقالات متعددی در روزنامه‌های مختلف آلمان مکانیسم عملکرد شبکه‌های خبرگان را مورد بررسی قرار داده است.



\*\*\*\*

کتاب «آموزگاران امریکائی هیتلر» (خبرگان امریکا، یاوران تولد ناسیونال سوسیالیسم) در کتابخانه «عدالت» منتشر شد.

برای مطالعه این اثر ارزنده به این [نشانی](#) مراجعه کنید